

الهیات محمدی

سرشناسه	: سلطان الواعظین، محمدحسین، ۱۲۷۶ - ۱۲۵۰
عنوان	: فرقه ناجیه
نام یارید آورنده	: سید محمد حسین سلطان الواعظین
مشخصات نشر	: قم: طوبای محبت، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۶۰۰ ص.
شابک	: ISBN : ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۶-۰۵-۲
وضعیت فرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه : همچنین به صورت زیر نویس
موضوع	: شیعه - دفاعیه ها و ردیه ها
موضوع	: شیعه امامیه - دفاعیه ها و ردیه ها
موضوع	: اهل سنت - دفاعیه ها و ردیه ها
موضوع	: شیعه - فرقه ها
رده بندی	: ۱۳۹۴، ۳۱ ک ۸ س / ۵ / ۲۱۲ BP
رده بندی	: ۲۹۷ / ۴۱۰
شماره کتابخانه	: ۳۸۸، ۳۱



فرقه ناجیه جلد اول

در دفاع از حریم تشیع

عالم ربانی سید محمد حسین سلطان الواعظین بیرازی رحمته

انتشارات: طوبای محبت

ویراستار: محمد بصام

تیراژ: ۱۰۰۰ دوره

چاپخانه: طه

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۶-۰۵-۲

قیمت دوره: ۸۶۰۰۰ تومان

پخش کتاب هفت/ قم، بلوار سمیه، کوچه ۱۶، پلاک ۳۰

۱۲ ۹۹ ۷۵۳ ۰۹۱۲ - ۸۹ ۳۳۳ ۳۷۸ ۰۲۵

قم، بلوار سمیه، خیابان عباس آباد (شهیدین)، پلاک ۱۱۲

۰۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷ ۰۹۱۲۶۵۱۴۳۲۹ ۰۲۵-۳۷۸۳۲۱۴۳ ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۶۶

مرکز توزیع بین المللی کتب و آثار اسلامی رسالت غدیر

www.tobaymohebat.ir

info@tobaymohebat.ir

www.islamicbookshop.net

سامانه پیامک: ۲۵۱ ۱۰ ۳۳۰ ۱۳ ۵۰۰۰

فهرست مطالب

- سخن ناشر..... ۲۱
- سرآغاز..... ۳۱
- امتیاز بشر به عقل و دانش..... ۳۱
- علم معهود در نظر رسول الله ﷺ سه چیز است..... ۳۳
- معنای محکم و متشابه..... ۳۶
- فرمول های علمی، پیوسته به وسیله دانشمندان تغییر می کند..... ۳۶
- در معنی علمی که تحصیل آن بر مسلمانان واجب است..... ۳۸
- ضرر تحصیل علم بی مقدمه..... ۴۲
- مفاسد علمای جاه طلب..... ۴۳
- اشاره به واقعه بلعم بن باعور و علمای بی عمل..... ۴۲
- قضاوت منصفانه لازم است..... ۴۸
- شهادت شهید اول به فتوای دو عالم سنی..... ۴۹

- ۵۰ شهادت شهید ثانی به سعایت قاضی صیدا
- ۵۰ شهادت شهید ثالث در آگره هند
- ۵۳ گفتگوی عالم مسیحی با فخرالاسلام
- ۵۵ حکایتی مضحک از مردی بلوچ
- ۵۷ جواب قاضی القضاة سنی به علامه حلی رحمته الله
- ۵۸ گفتگوی سنی با عالم حنبلی در بقین شام
- ۷۰ بیانات مرحوم آیت الله بروجردی
- ۷۱ انصاف موجب سعادت و تعصب سبب هلاکت است
- ۷۴ نیک و بد در صحابۀ رسول صلی الله علیه و آله
- ۸۰ فرقه های سه گانه و شب های پیشاور
- ۸۳ سجده به تربت و توسل به - رسالت، پرهانه دشمنی
- ۸۸ اخبار در مذمت عجب و خودبینی
- ۹۲ کشف حقیقت از گفتار نادرست
- ۹۸ زندگی نامه خودنوشت مؤلف
- ۱۰۲ علت نشر کتاب شب های پیشاور
- ۱۰۵ قضاوت منصفانه
- ۱۰۷ تقاضا از علمای اهل سنت
- ۱۰۸ عجب، کبر و حسد، موجب شقاوت و هلاکت
- ۱۰۷ قضاوت منصفانه لازم است
- ۱۱۱ سعادت در اتحاد مسلمین
- ۱۲۲ گفتگوی امیرالمؤمنین علیه السلام با عباس و ابوسفیان
- ۱۲۳ گفتار حقیقت در باب غلات
- ۱۲۷ توجه بزرگان اهل سنت به ایجاد وحدت اسلامی
- ۱۳۲ غلط کاری های شیخ کردستانی و جواب آنها

- ۱۳۶ آل بویه و ظهور تشیع
- ۱۳۹ اثبات وجود حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشريف ، از کتب اهل سنت
- ۱۴۳ اشاره به اخباری راجع به ائمه اثناعشر
- ۱۴۷ کشف حقیقت
- ۱۴۹ عا - تقسیم ماترک امام علیه السلام
- ۱۵۳ یا رب دعای خسته دلان مستجاب کن
- ۱۵۶ آغاز کتب
- ۱۵۸ جواب سئوال اول راجع به حدیث اختلاف امت به هفتاد و سه فرقه
- ۱۶۰ اول ظهور مذاهب اربعه اهل سنت
- ۱۶۲ احادیث تفرقه امت بعد وفات رسول الله صلی الله علیه و آله از کتب اهل سنت
- ۱۶۴ ابن عبدربه در عقد الفرید
- ۱۶۴ زمخشری در کشاف
- ۱۶۵ جلال الدین سیوطی در الدر المنثور
- ۱۶۶ قاضی بیضاوی در أنوار التنزیل
- ۱۶۶ عبدالرحمن بن جوزی در تلیس ابلیس
- ۱۶۶ عبدالقاهر بغدادی در الفرق بین الفرق
- ۱۶۷ ابن کثیر دمشقی
- ۱۶۷ محمد ابوزهره در المذاهب الإسلامیة
- ۱۶۷ مولی جلال الدین دوانی
- ۱۶۸ نقل احادیث «افتراق امت» از اکابر علمای شیعه
- ۱۷۰ جواب سؤال دوم: آغاز تفرقه امت در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است
- ۱۷۹ اشاره به آیات در مذمت منافقین
- ۱۸۱ حدیث «أصحابی کالتُّجُوم»
- ۱۸۲ نقل احادیث در ارتداد اصحاب

- ۱۸۳ قول تفتازانی در انحراف اصحاب از طریق حق
- ۱۸۴ مخالفت منافقین با رسول اکرم ﷺ به ویژه در عَقَبه
- ۱۸۶ شناخته شدن منافقان با تکذیب رسول الله ﷺ و با بغض و دشمنی با امام علی (ع)
- ۱۸۹ ایجاد اختلاف در امت و منع عمر از وصیت
- ۱۹۰ جمع بی مورد و جواب از آن
- ۱۹۱ فضیلت و امتیاز لازم است
- ۱۹۵ ایجاد اختلاف در میان امت
- ۱۹۶ عقیده شهرستانی در جمع با نفاق و اختلاف امت
- ۱۹۸ اشتباه و اختلاف اول
- ۱۹۸ اشتباه و اختلاف دوم
- ۱۹۸ اشتباه و اختلاف سوم
- ۱۹۹ اشتباه و اختلاف چهارم
- ۱۹۹ اشتباه و اختلاف پنجم
- ۲۰۰ اشتباه و اختلاف ششم
- ۲۰۰ اشتباه و اختلاف هفتم
- ۲۰۱ اشتباه و اختلاف هشتم
- ۲۰۱ اشتباه و اختلاف نهم
- ۲۰۱ اشتباه و اختلاف دهم
- ۲۰۳ کشف حقایق و بطلان اباطیل
- ۲۰۳ بررسی اختلاف اول و منع شدن پیغمبر از وصیت
- ۲۰۶ بیان حقیقت در معنی «کتاب و عترت» و گفتار عمر
- ۲۰۹ بررسی پیرامون اختلاف دوم در امارت اسامه بن زید
- ۲۱۲ موضوع تخلف از لشکر اسامه
- ۲۱۳ بررسی اختلاف سوم و گفتار عمر

- ۲۱۴..... اختلاف دربارهٔ گفتار عمرو بنی اطلاعاتی عمر از آیات قرآن
- ۲۱۸ حکم غلط عمر به
- ۲۲۱..... ندای «سلونی» امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۲۲..... سول اکرم صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را در بین صحابه برای قضاوت برگزید
- ۲۲۳ اظهار عجز عمر در برابر امام علی علیه السلام
- ۲۲۹ خبر دادن قرآن و رسول خدا از ارتداد امت
- ۲۳۰..... بررسی برامون در امیرامامت
- ۲۳۱..... موضوع کشف و کشف حقیقت
- ۲۳۸..... کشف حقیقت برای بردمان با کدل
- ۲۳۹..... رقابت اوس و خزرج نسبت به بیعت با ابوبکر
- ۲۴۳..... فاجعهٔ هجوم به خانهٔ حضرت فاطمه علیها السلام
- ۲۴۶..... بررسی موضوع فدک
- ۲۴۸..... شأن نزول آیه تطهیر
- ۲۵۲..... قضاوت منصفانه و عادلانه لازم است
- ۲۵۳..... بررسی اختلاف امت در قتل مانعین زکات
- ۲۵۵..... در شأن نزول آیه «إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا»
- ۲۵۶..... حکایت مرداس در کشتن گویندهٔ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»
- ۲۵۶..... حکایت محلم بن جثامه و کشتن عامر بن اضبط
- ۲۵۷..... کشتن گویندگان لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
- ۲۶۱..... عظمت مالک بن نویره در اسلام
- ۲۶۳..... حرکت خالد برای سرکوبی مالک
- ۲۶۴..... قتل فجیع و هتک ناموس
- ۲۶۶..... اولین هتک ناموس در اسلام
- ۲۷۳..... دفاع مخالفین و جواب به آنها

- ۲۸۰..... مطابقت حق و باطل و کشف حقیقت
- ۲۸۱..... کشتار مسلم بن عقبه در مدینه به امر یزید پلید
- ۲۸۲..... سفاک خونخوار، حجاج بن یوسف ثقفی
- ۲۸۳..... بررسی پیرامون اشتباه هشتم در امر خلافت
- ۲۸۶..... رعیت ابی بکر به خلافت عمر با مصلحت عثمان
- ۲۸۷..... نتایج تعیین عمر به خلافت توسط ابی بکر
- ۲۸۷..... اشاره به فحاشی یزید بن معاویه
- ۲۸۹..... نتیجه
- ۲۹۰..... امر به شورای دیکتاتوری از سوی عمر بن الخطاب
- ۲۹۱..... دستور عمر بن الخطاب در هنگام مرگ دربار خلیفه بعدی
- ۲۹۳..... بررسی پیرامون خلاف نهم و امر کردن عمر به مجلس شورا
- ۲۹۶..... حدیث «منزلت» و واقعه تبوک
- ۲۹۶..... فرار اصحاب از مقابل یهود و فتح خیبر به دست امام علی علیه السلام
- ۲۹۸..... واقعه خندق و کشته شدن عمرو بن عبدود به دست امام علی علیه السلام
- ۳۰۰..... اسناد حدیث منزلت
- ۳۰۶..... امام علی علیه السلام افضل از تمام صحابه
- ۳۰۷..... حدیث طیرمشوی
- ۳۰۸..... حدیث رأیت و مقام امام علی علیه السلام
- ۳۰۸..... قضاوت منصفانه
- ۳۱۰..... امام علی علیه السلام فاروق بین حق و باطل بود
- ۳۱۲..... علی با حق و حق با علی
- ۳۱۵..... دردین اسلام اجبار و اکراهی نیست
- ۳۱۹..... زجر و منع از زیارت پیغمبر و عترت آن حضرت توسط شرطه ها
- ۳۲۰..... بی اعتنایی به رسول الله صلی الله علیه و آله

- مدفن عثمان بن مظعون و عثمان بن عفان ۳۲۰
- آیا اهل سنت خود را پیرو سنت رسول الله ﷺ می دانند؟ ۳۲۳
- عمر سبب خلاف و اختلاف امت ۳۲۳
- اختلاف نهم و مجلس شورا ۳۲۳
- قطع خمس واجب و حق عترت پیغمبر توسط خلفا ۳۲۸
- معذرت خنده آور قاضی و جواب سید مرتضی علم الهدی ۳۳۰
- اذیت و تبعید ابن زینب عفتاری، محبوب خدا و پیغمبر ۳۳۱
- ضرب و شتم دیار حبابه توسط عثمان ۳۳۴
- کشف حقیقت ۳۴۱
- علت سکوت امیرالمؤمنین در مقابل دشمنان و مخالفین ۳۴۲
- دستور رسول الله ﷺ، علی (ع) را وارد ربه صبر تحمل نمود ۳۴۳
- تأسی نمودن امام علی (ع) به شش نفر از انبیاء عظام در صبر و تحمل بعد از پیغمبر ﷺ ۶۴۳
- خطبه های امیرالمؤمنین در اشاره به سکوت و علت سازش ۹۴۳
- عبدالله بن عامر بن کریز، پسر دایی عثمان بود ۳۵۳
- بررسی پیرامون خلاف و اختلاف دهم و خلافت امیرالمؤمنین (ع) ۳۵۴
- تقسیم اموال موجود در بین مسلمانان توسط امیرالمؤمنین (ع) ۳۵۶
- اعتراض دنیا طلبان به امام علی (ع) ۳۵۷
- مقابله و گفتار منافقین و اموی ها با امام علی (ع) ۳۵۷
- گفتار ولید اموی با امیرالمؤمنین (ع) ۳۵۸
- گفتگوی امیرالمؤمنین (ع) با طلحه و زبیر ۳۵۹
- نامه نوشتن معاویه از روی حيله و تزویر برای زبیر ۳۶۱
- پیام فرستادن زبیر و طلحه به امام علی (ع) ۳۶۱
- نفرین نمودن امام علی (ع) به طلحه و زبیر ۳۶۲

- ۳۶۳ تجهیزات طلحه و زبیر برای رفتن به بصره
- ۴۶۳ دشمنی عایشه با عثمان و امام علی علیه السلام
- ۵۶۳ گفتگوی ام سلمه با عایشه
- ۳۶۶ نقل فضایل امام علی علیه السلام برای عایشه توسط ام سلمه
- ۳۶۷ نص صریح بر خلافت امام علی علیه السلام از ام سلمه به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۳۶۷ توضیح دقیق پیرامون حدیث ام سلمه و حدیث «خاصف النعل»
- ۰۷۳ پیرامون حدیث «خاصف النعل»
- ۳۷۲ نتیجه گفتار
- ۴۷۳ خبر دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بصره و شام و نهروان
- ۴۷۳ خبر ام سلمه راجع به جنگ ناکین، قاسطین و مارقین
- ۳۷۵ خبر ابوسعید در جنگ با ناکین، قاسطین و مارقین
- ۳۷۵ خبر ابویوب انصاری در جنگ با ناکین، قاسطین و مارقین
- ۷۷۳ نامه نوشتن ام سلمه برای امام علی علیه السلام
- ۳۷۸ کشتار مؤمنین پاک در بصره به امر عایشه
- ۹۷۳ مبتلا شدن انس بن مالک منافق به برص (با نفرین ام سلمه علیها السلام)
- ۳۸۲ شروع و خاتمه جنگ جمل و عدد مقتولین آن
- ۳۸۳ گفتگوی علی علیه السلام با زبیر در میدان جنگ
- ۳۸۳ کناره‌گیری زبیر و کشته شدن او
- ۳۸۵ کشته شدن طلحه به تبر مروان بن حکم
- ۳۸۷ دوست علی علیه السلام مؤمن و دشمن آن جناب، منافق است
- ۳۸۸ دلایل فساد طلحه و زبیر و عاقبت بد آنها
- ۳۹۰ توضیح راجع به زبیر و بررسی حرکت او به صحرا
- ۳۹۲ کشته شدن طلحه و عاقبت بد او
- ۳۹۳ عایشه هرگز نادم و تائب نگردید

- ۳۹۴..... سجده شادی عایشه از شنیدن شهادت امیرالمؤمنین
- ۳۹۵..... توجه مصنفانه راجع به اعمال عایشه
- ۳۹۶..... آزار پیغمبر توسط عایشه
- ۳۹۷..... آثار قیام عایشه در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۳۹۸..... خطبه معاویه در شام و تحریض مردم به جنگ با امام علی علیه السلام
- ۳۹۹..... یاری نمودن معاویه، عثمان را در محاصره
- ۴۰۰..... نامه نوشتن معاویه به سعد بن ابی وقاص
- ۴۰۱..... جواب سعد بن ابی وقاص به معاویه
- ۴۰۳..... آیات داله بر لعن و مذمت معاویه
- ۴۰۵..... مباح نمودن خون معاویه توسط پیغمبر صلی الله علیه و آله و اسلام آوردن او
- ۴۰۶..... قسمتی از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه
- ۴۰۷..... آزار و اذیت به علی علیه السلام آزار به رسول الله بوده است
- ۴۰۸..... اشاره به آیاتی که در لعن و مذمت ظالمین نازل گردیده است
- ۴۰۹..... زیاد بن ابیه را بشناسید
- ۴۱۱..... حالات سمیه فاحشه (مادر زیاد)
- ۴۱۳..... اعتراض ابوبکر به برادرش زیاد
- ۴۱۴..... اعتراض بنی امیه به معاویه به خاطر برادری زیاد
- ۴۱۵..... گواهی دادن ابومریم سلولی به حرام زادگی زیاد بن ابیه
- ۴۱۷..... سبب ملحق نمودن زیاد به برادری توسط معاویه
- ۴۱۸..... نامه معاویه به زیاد بن عبید
- ۴۱۹..... کشف سراز عقل معاویه
- ۴۱۹..... خطبه زیاد در مذمت معاویه
- ۴۲۰..... جواب دادن زیاد به نامه معاویه
- ۴۲۱..... اشاره به حالات مغیره بن شعبه

- ۴۲۲ نصیحت نمودن مغیره، به امام علی علیه السلام
- ۴۲۴ زنا کردن مغیره در بصره و کشف قضیه به نحو اتفاقی
- ۴۲۶ امامه معاویه از روی تزویر به زیاد.....
- ۴۲۷ اعتراض یونس بن عبید به عمل معاویه در الحاق زیاد به ابی سفیان.....
- ۴۲۸ حکومت زیاد در بصره و خراسان و کشتار بی رحمانه در بصره.....
- ۴۲۸ حکمت زیاد در کوفه تا ابود نمودن شیعیان امام علی علیه السلام.....
- ۴۲۹ فرار سعید بن ابی سرح به مدینه.....
- ۴۲۹ مفاد نامه امام حسن علیه السلام زیاد و جواب نامه آن ملعون به امام علیه السلام.....
- ۴۳۱ نامه معاویه به زیاد.....
- ۴۳۲ شهادت عمرو بن الحمق صحابی.....
- ۴۳۵ اشاره به حالات سمرة بن جندب در جعل حدیث نمودن او.....
- ۴۳۶ کشتار جماعت بسیاری در بصره توسط کشتار بی رحمانه.....
- ۴۳۷ شقاوت بسر بن ارطاة.....
- ۴۳۸ کشف عورت و فرار بسراز مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام.....
- ۴۴۰ مأموریت بسراز طرف معاویه به قتل عام شیعیان از مدینه تا یمن.....
- ۴۴۱ کشتار بی رحمانه در یمن، حتی کشتن دو طفل صغیر عبیدالله.....
- ۴۴۲ درهتک حرمت زنان مؤمن و کشتار بی حساب، قضاوت منصفانه نیست.....
- ۴۴۳ نفرین نمودن امیرالمؤمنین علیه السلام درباره بسر و عاقبت امر او.....
- ۴۴۴ کشتندگان مؤمنین، ملعون خداوند و در آتش جاودانه خواهند بود.....
- ۴۴۴ نقل احادیث در عظمت قتل نفس و کشتن مؤمن به عمد.....
- شهادت امام حسن علیه السلام به امر معاویه، لعنه الله، و توضیحی درباره زهر «بیش» و «هلاهل».....
- ۴۴۸ گفتگوی ابن عباس با معاویه در موضوع شهادت امام حسن علیه السلام.....
- ۴۵۰ گرفتار شدن حجر بن عدی و شش نفر از اصحاب او به امر معاویه.....

- ۴۵۱ اعتراض حجر به مغیره در مذمت کردن علی علیه السلام توسط وی
- ۴۵۲ امارت «زیاد» در کوفه و رفتار خشن او با حجر
- ۴۵۵ زندانی شدن حجر و گرفتاری اصحاب او
- ۴۵۵ بنده سازی زیاد علیه حجر
- ۴۵۶ زندانی شدن حجر در مرج عذراء
- ۴۵۷ نر نمودن معاویه به قتل حجر و شش نفر از اصحاب او
- ۴۵۸ اسامی شش ای مرج عذراء
- ۴۵۹ باید با دست قنوت نمود تا معاویه را شناخت
- ۴۶۳ نامه امام حسین علیه السلام به معاویه و انتقاد از کشتن حجر و اصحابش
- ۴۶۳ انتقاد عایشه از معاویه در قتل حجر
- ۴۶۴ انتقاد حسن بصری از اعمال معاویه
- ۴۶۴ از مویقات واضحه
- ۴۶۵ شهادت مالک اشتر به امر و دستور معاویه
- ۴۶۶ نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل مصر
- ۴۶۷ اختلاف در طریقه مسموم کردن مالک اشتر توسط معاویه
- آن شادی معاویه و اهل شام در مرگ مالک اشتر و اندوه امیرالمؤمنین علیه السلام از شهادت آن
- ۴۶۸ جناب
- ۴۷۰ نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به محمد بن ابی بکر
- ۴۷۱ شهادت کنانه و لشکریانش در جنگ با عمرو بن العاص
- گرفتاری و شهادت محمد بن ابی بکر
- ۴۷۴ اسماء بنت عمیس، والدۀ ماجده محمد بن ابی بکر
- ۴۷۵ تعبیر خواب اسماء توسط پیغمبر صلی الله علیه و آله
- جملاتی از خطبۀ امیرالمؤمنین و نامه به عبدالله بن عباس، بعد از خبر شهادت محمد
- ۴۷۶ بن ابی بکر

- ۴۷۷ کشف جرایم از مویقات معاویه
- ۴۷۸ دادخواهی اشراف مصر نزد عثمان و صادر شدن حکم قتل آنها
- ۴۷۹ یاری نکردن عثمان توسط معاویه
- ۴۸۰ مختصری از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه
- ۴۸۱ حالت ابودرداء و ابوهریره نزد علی علیه السلام
- ۴۸۱ جواب امیرالمؤمنین علیه السلام به پیام معاویه ملعون
- ۴۸۴ جمله‌ای از نامه محمد بن مسلمه انصاری به معاویه لعین
- ۴۸۴ اشاره به حالت عمر بن العاص
- ۴۸۵ شهادت سمیه (مادر عمار) و پسر (پدر عمار) در راه دین
- ۴۸۶ اخبار در فضایل عمار بن یاسر
- ۴۸۹ معنی شهادت و علت اطلاق شهادت به عمار
- ۴۹۰ اشاره به کشته شدن ناصرالدین شامی
- ۴۹۱ دلایل اینکه معاویه و پیروانش باطل و اهل ظلم و فساد بودند
- ۴۹۳ علی علیه السلام با قرآن و قرآن با علی علیه السلام
- ۴۹۴ سب و اذیت به علی علیه السلام سب و اذیت به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شد
- ۴۹۸ اخبار سب به علی علیه السلام سب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۵۰۰ گفتار سعد بن ابی وقاص در فضایل امام علی علیه السلام
- ۵۰۶ از علایم نفاق، دشمنی با علی علیه السلام بوده است
- ۵۰۶ دوستی علی ایمان و دشمنی او کفر و نفاق است
- ۵۰۶ خبر دادن پیغمبر از جنگ های بصره و شام و نهروان
- ۵۰۹ خبر دادن پیغمبر از کشته شدن عمار
- ۵۱۲ ملحق شدن عبدالله بن عمر العنسی به لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۵۱۳ جواب خنده آور معاویه در موضوع قتل عمار
- ۵۱۴ کشف حقیقت و حل معما

- ۵۱۵ اشاره به واقعه صفین و عدد مقتولین آن جنگ
- ۵۱۶ اشاره به بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل صفوف لشکر
- ۵۱۷ خطبه مالک اشتر در مقابل صفوف لشکر
- ۵۱۷ عمده شایده لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام در روز پنجشنبه دهم صفر سال ۳۷
- ۵۱۸ شد جنگ در «لیلة الہریر»
- ۵۱۹ حیلہ عمروعاص در بلند کردن قرآن‌ها بر فراز نیزه‌ها
- ۵۲۰ خصابہ امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل سپاه خود راجع به حیلہ شامیان
- ۵۲۳ نامہ معاویہ به امام علی علیه السلام و جواب آن حضرت به معاویہ
- ۵۲۴ قیام فریقین در حاکمیت و اختلاف در حکم بودن ابوموسی
- ۵۲۷ توافقی در میان عرافی و ابوموسی واقع نشد
- ۵۲۸ حکم قرار دادن ابوموسی در صفین توسط منافقان و خوارج
- ۵۳۰ انکار معاویہ توسط ابوالاسود دؤلی
- ۵۳۱ اشاره به حالات اشعث بن قیس
- ۵۳۴ یادآوری امیرالمؤمنین علیه السلام به واقعه حدیبیہ
- ۵۳۵ عملی شدن نقشه معاویہ و ملاقات عمرو بن عاص با ابوموسی و گفتگوی آنها
- ۵۳۷ توضیح واضح
- ۵۳۹ مخالفت‌های ابوموسی با اوامر امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۵۴۰ فرمان عزل ابوموسی توسط عبدالله و محمد بن ابی بکر
- ۵۴۱ گفتار ابوموسی بر خلاف امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۵۴۱ گفتار و خطابه امام حسن علیه السلام با مردم کوفہ
- ۵۴۲ گفتار قیس بن سعد بن عبادہ
- ۵۴۳ گفتار ننگین ابوموسی
- ۵۴۳ اشاره به حالات زید بن صوحان و گفتار او
- ۵۴۵ بیرون نمودن مالک اشتر، ابوموسی را از دار الامارہ

- کشف و بیان حقیقت ۵۴۵
- فریب دادن ابوموسی توسط عمرو عاص ۵۴۶
- نصیحت نمودن ابوموسی توسط ابن عباس ۵۴۶
- دستورات ابوموسی در خلع امیرالمؤمنین ۵۴۷
- کلمات عمرو عاص در نصب معاویه به خلافت و گفتگوی ابوموسی با عمرو عاص ۵۴۷
- گفتار اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام با ابوموسی و تازیانه زدن شریح بن هانی بر عمرو بن عاص ۵۴۸
- خطابه امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل اصحاب ۵۵۰
- ظهور خوارج در زمان امام علی علیه السلام ۵۵۱
- مخالفت خوارج با امیرالمؤمنین مانند مخالفت منافقین با رسول خدا در حدیبیه بود ۵۵۱
- خبر دادن پیغمبر صلی الله علیه و آله از حالت خوارج ۵۵۴
- خبر دادن رسول اکرم صلی الله علیه و آله از ذوالشعبه توسط خوارج ۵۵۵
- شهادت عبدالله بن خباب و عیالش به دست خوارج ۵۵۷
- زجر نمودن خباب توسط مشرکین مکه ۵۵۸
- اتمام حجت نمودن امیرالمؤمنین علیه السلام با خوارج ۵۶۱
- احتجاج خوارج با امیرالمؤمنین علیه السلام ۵۶۲
- بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل خوارج ۵۶۷
- شروع و خاتمه جنگ ۵۶۹
- سنی واقعی را باید شناخت ۵۷۳
- اختلاف امت سبب بدبختی ملت ۵۷۵
- فتوای شیخ ازهر برای جواز عمل کردن به فتاوی علمای شیعه امامیه ۵۷۷
- شکایت نامه ابوالوفای معتمدی به شیخ الازهر، محمود شلتوت ۵۷۸
- هدایت نامه در جواب شکایت نامه بیجای ابوالوفای معتمدی ۵۷۹
- توضیح پیرامون کتاب النقص ۵۸۰

- ۵۸۱..... توضیح در مورد کتاب احقاق الحق
- ۵۸۲..... اشاره به حالات علامه حلی
- ۵۸۳..... ابتدای ظهور خاندان مغول و تاتار
- ۵۸۴..... ادای تاجگذاری چنگیز مغول
- ۵۸۵..... حمله چنگیز مغول به ایران و قتل عام عمومی
- ۵۸۷..... ملت تشیع شاه خدا بنده
- ۵۹۲..... شهادت قاضی سید نورالله شوشتری
- ۵۹۴..... پیرامون کتاب کرامت علی
- ۵۹۵..... پیرامون کتاب نسب های پیشاوری
- ۵۹۷..... اشاره به بعضی از کتب سنی ها که در رد شیعه نوشته اند

سخن ناشر

مکتب سائبرحقجو و حق طلب شیعه همواره در طول اعصار و ادوار تاریخ پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام مورد تهاجم و اعتراض متعصبان نابخرد، و ستمگران فرصت طلب که برین تشبیه حکومت باطل خویش از هر حربه‌ای استفاده می‌کردند واقع شده است.

در این میان همواره مردانی الهی در صحنه دفاع از حق بپا خواسته و با بیان حقانیت شیعه در صحنه مناظرات یا تالیفات مکتب سائبرحق در هر دو جبهه، این عداوت پیشگان و باطل‌گرایان را بر جای خود نشانده و حق را بر باطل و پاکیزه به کرسی نشانده و برای مردم تبیین کرده‌اند.

یکی از این مردان بلند همت و راست قامت که این سلسله پاک پیامبر گرامی اسلام ﷺ در قرن اخیر برای احقاق حق و احیای مکتب شیعه بپا خواست و بحق می‌توان ایشان را احیاگر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نامید، عالم ربانی حجة الاسلام سلطان الواعظین شیرازی قدس الله سره می‌باشد.

آن بزرگوار در طول عمر پربرکت خود با جدیت و اخلاص تمام، دمی از تبلیغ و ترویج و سعی در اعتلای مذهب حقه شیعه نیاسود و همه توان خود را در راه این آیین پاک صرف نمود.

مرحوم سلطان الواعظین در سال ۱۳۱۴ هجری قمری در تهران در خانواده علم و تقوا چشم به جهان گشود. نسب شریف ایشان چنان که مرحوم آیت الله العظمی نجفی مرعشی نگاشته‌اند، با ۲۵ واسطه به حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم علیه‌السلام می‌رسد.

سلسله شریفه نسب آن بزرگوار به حضرت سید میر محمد عابد فرزند بلا واسطه امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ختم می شود، که دارای احترام خاصی در طول تاریخ بوده اند. مهاجرت آنها به ایران در زمان خلافت مأمون عباسی و حضور حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه السلام در مرو صورت گرفته است. زمانی که سید میر محمد عابد به همراه حضرت سید میر احمد (شاه چراغ) علیه السلام و جمع کثیری از بنی هاشم، از مدینه طیبه به قصد زیارت و یاری حضرت امام رضا علیه السلام به سوی ایران حرکت می کنند، قافله ابرمان به دستور مأمون، در شیراز متوقف و پس از این که کاروان این سادات عظیم الشان در سراسر ایران متفرق می شوند و هر یک به دیاری می گریزند، در نهایت به شهادت آنها منجر می شود.

جناب سید میر محمد فرزند از عالی قدری داشته که افضل آنها در علم و زهد و تقوی، حضرت سید ابراهیم مجاهد بوده و نوادگان ایشان در قرون اخیر به «مجابی» معروف می باشند.

یکی از این سادات جلیل القدر مجابی، مرحوم آقا سید حسن واعظ شیرازی است که جد بزرگ مرحوم سلطان الواعظین است. آقا سید حسن در مسیر سفری که به مشهد مقدس داشته اند، به تقاضای فتحعلی شاه و جار در بهران اقامت گزیده و به وعظ و خطابه و تبلیغ مشغول می شود. وی در سال ۱۲۹۱ قمری درگذشت. و بعد از ایشان فرزندش آقا سید قاسم بحر العلوم که به زهد و تقوی مشهور بوده ریاست و زقابت سلسله جلیله سادات شیرازی را عهده دار می گردد. تا آن که ایشان نیز در سال ۱۳۰۸ قمری به رحمت ایزدی پیوست و در کنار پدر ارجمندش در کربلای معلی مدفون گردید.

بعد از ایشان ریاست این خاندان به مرحوم حاج سید علی اکبر اشرف الواعظین پدر مرحوم سلطان الواعظین رسید. خطیب ارجمند و سید جلیل القدر مرحوم سید علی اکبر اشرف الواعظین شیرازی، پدر گرامی سلطان الواعظین، شیخ الطائفه و رئیس جمعیت بسیاری از سادات شیراز از پرچمداران دیانت و مروجین مذهب و شریعت بود. ایشان سال ها در تهران به ترویج و تبلیغ مشغول بود تا

آن که حوادث مشروطه پیش آمد. در این ایام که اختلاف بین گروه‌های مختلف و روحانیت فزونی یافت و هرروز حادثه‌ای رخ می‌داد، مرحوم اشرف الواعظین به کرمانشاه نقل مکان کرد و در این شهر ماندگار شد. او در کرمانشاه قدرت و نفوذ بسیاری یافت و برابر دشمنان دین و معاندین سدی استوار گشت.

در ترویج شرع انور و جلوگیری از انحرافات و ایستادگی در برابر ارباب تفکرهای همراه کننده، نهایت سعی خود را مبذول داشت.

آن عالم بزرگوار و مردم با اخلاص درگاه حضرت سید الشهداء علیه السلام همواره مورد احترام و توجه مآجع علمای عصر، همچون آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی، آیت الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی صاحب عروه، آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی در مرحوم آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه بود. وی بعد از تقریباً هشتاد سال زندگی پاک و سراسر خدمت به دین و مردم، در سپیده دم روز سه شنبه ۲۱ شهریور سال ۱۳۵۱ قمری در کرمانشاه بدرود حیات گفت. جنازه ایشان را به کربلای معین منتقل کردند و در کربلا پس از استقبالی مفصل تشییع و وی را در مقبره خانوادگی خودشان در جنب جد گرامیش حضرت سید ابراهیم مجاب، به خاک سپردند.

جناب سلطان الواعظین در همان اوان کودکی در خدمت پدر ارجمندش مشغول فراگیری معارف دینی شد و پس از آن در مدرسه پامنار تهران در محضر اساتید و علمای دیگر بهر مند گردید. ایشان سپس در سال ۱۳۲۶ قمری راهی عتبات عالیات شد و در جوار بارگاه سید و سالار شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در کربلا اقامت گزید، و با استعانت از آن حضرت از محضر اساتیدی همچون آیت الله فاضل مرنندی و آیت الله شهرستانی کسب فیض نمود.

وی پس از مدتی به تهران بازگشت و بعد از درگذشت پدر گرامیش در سال ۱۳۵۱ قمری از آنجا به قم آمدند و از محضر بزرگانی همچون شیخ الفقهاء آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله حاج سید محمد حجت، آیت الله آقا سید محمد تقی

خوانساری و آیت الله آقا میرزا محمد علی شاه آبادی قدس الله اسرارهم استفاده نمود.
 مرحوم سلطان الواعظین حدود پنج سال در قم از محضر اساتید فوق استفاده کرد و سپس به تهران بازگشت.

سفر به پیشاور و تشکیل جلسات مناظره

جناب سلطان الواعظین سفرهای متعددی به خارج از ایران داشت، وی در همه این مسافرت‌ها علاوه بر مجالس وعظ و منبر و تبلیغ، با علمای بزرگ فرق و مذاهب نیز به گفتگو و تبادل نظر می‌پرداخت و آراء و عقاید حقه شیعه را با ایشان مطرح می‌ساخت. او سفرهایی را به مصر، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین و هندوستان انجام داد، و مهمترین آنها که مناظره معروف او در آن تحقق یافت و باعث شهرت وی گردید، سفر به پیشاور بود. ایشان در صیح الاول سال ۱۳۴۵ قمری که تنها سی سال از عمر شریفشان می‌گذشت، پس از سفر به عتبات و استعانت از سلطان اولیا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام راهی هندوستان شد.

در کراچی، بمبئی، لاهور، پنجاب، حیدرآباد و بسیاری نقاط دیگر هند مورد استقبال و احترام مسلمانان و غیرمسلمانان واقع شد و جلساتی از بحث و مناظره را برقرار کرد. بعد از آن ایشان را به دهلی نو، دعوت کردند و جلسات مناظره‌ای را با عده‌ای از علمای هند برای ایشان فراهم ساختند. در بعضی از این جلسات که در دهلی انجام می‌شد، رهبر بزرگ هند «مهاتما گاندی» نیز شرکت می‌کرد.

بعد از این جلسات سلطان الواعظین به دعوت «محمد سرور» که از متنفذین خاندان قزلباش هندوستان به شمار می‌رفت، برای سخنرانی و خطابه رسمی پیشاور شد. این مجلس با حضور جمع زیادی از مردم پیشاور و حومه آن و نیز عده‌ای از علمای شیعه و سنی در امام باره (حسینیه) مرحوم عادل بیک برقرار شد. سلطان الواعظین در این جلسات مباحثی در زمینه خلافت و ولایت و عقاید شیعه مطرح ساخت. در پایان یکی از این سخنرانی‌ها دو تن از علمای کابل نزد سلطان الواعظین آمده و تقاضا می‌کنند در ارتباط با سخنان او با ایشان مناظره کند. این دو نفر به نام‌های «حافظ محمد رشید» و

«شیخ عبدالسلام» از آن شب به بعد، پس از نماز مغرب و عشاء در حضور جمع زیادی از علما و رجال و مردم شهر، پیرامون مسائل مورد اختلاف با سلطان الواعظین به گفتگو می‌نشینند. این جلسات پرشور که از شب جمعه ۲۳ رجب ۱۳۴۵ قمری شروع شد، تا ده شب به طول انجامید. جلسه مناظره هر شب بعد از نماز مغرب و عشاء تا ۶ یا ۷ ساعات و گاهی نیز تا اذان صبح ادامه می‌یافت. در پیشاور و شهرهای اطراف آن، چون حرق مسلمین در کنار هم زندگی می‌کنند و با یکدیگر در ارتباط هستند، این محفل با استقبال بی‌پایان مردمی رو به رو گردید و صورت مذکرات هر شب، توسط روزنامه‌های محلی منتشر می‌شد. در این مباحثات، مسائلی از قبیل: دلالت آیات و روایات بر مقام شیعه، عقاید فرق مختلف شیعه، ظلم و ستم خلفا در طول تاریخ نسبت به شیعه، مذاهب اربعه اهل سنت، حدیث و سنن در فضیلت حضرت امیرالمومنین علیه السلام دلالت آیات مختلف بر شأن و منزلت حضرت، مسأله سقیفه، شوری، بدعت‌های معاویه، قیام و شهادت حضرت سیدالشهدا و بسیار دیگر مباحث تاریخی و اعتقادی دیگر مطرح شده است. استدلال مرحوم سلطان الواعظین در طول این مناظرات فقط از کتب و منابع اهل سنت بود، و این خود نشانه تسلط و احاطه آن بزرگوار به منابع روایی و تفسیری عامه است. این احاطه تا جایی است که در برخی موارد موجب حیرت علمای اهل سنت حاضر در مجلس می‌شد و تحسین ایشان را برمی‌انگیخت. حضور ذهن و قدرت حافظه ایشان در ذکر منابع و کتب مختلف برای یک مطلب، بعد از حیرت‌انگیز بود که پس از مدت کوتاهی آقایان به مستمع تبدیل شدند، بی آن که بتوانند چیزی بگویند.

در پایان مذکرات و شب دهم، تعدادی از رجال و بزرگان حاضر در مناظره به مذهب حقه تشیع مشرف شدند؛ ولی آنچه ثمره جاوید این مناظره پراچ به شمار می‌آید همان کتاب ارجمند «شبهای پیشاور» است که مؤلف محترم مشروح مذکرات را که روز بعد از جلسه توسط جراید محلی چاپ می‌شد مجدداً بررسی کرده و پس از تنظیم در این کتاب به چاپ رسانده است.

مرحوم سلطان الواعظین، انسانی سلیم النفس، بلند همت و با اراده بود. در بیان،

بسیار شیوا و صریح اللهجه و در عین حال مؤدب و عقیف بود.
 دانشمند محقق، مرحوم محمد شریف رازی صاحب کتاب گنجینه دانشمندان،
 درباره ایشان نوشته است:

«اه را عالمی بلند همت، منیع الطبع و کریم النفس دیدم. او عشق سرشاری به اهل
 عصمت و طهارت علیهم السلام داشت، و این محبت و شیفتگی را با هیچ متاعی مقابله
 نمی کرد. وی شیوری را عنه الصانه در راه تعظیم، تکریم و ترویج خاندان عصمت و طهارت
 با قلم و بیان خویشتن جهاد نمود، و دمی از این کوشش مدام نیا سود.»

حضرت آیت الله حاج آقا موسی شبیری زنجانی دامت برکاته می فرمودند: «برخی از
 موثقین نقل کردند، مرحوم سلطان الواعظین در اواخر عمر که به بیماری قلبی شدیدی
 مبتلا شده بود و نیاز به عنه پیوسته بود، فرزند ایشان با یکی از یهودی های متمکن تهران
 آشنا بود. این شخص یهودی را که از سریق فرزند عنه پدر دانشمندش را می شناخت، یک
 چک سفید به او می دهد و می گوید این را به پارت عنه و بگوبه هر کجا که می خواهند
 برای معالجه بروند. من تمام هزینه آن را خواهد پرداخت.»

پسر سلطان الواعظین مراتب را به عرض پدر می رساند. سید در جواب می گوید:
 من که یک عمر نوکر حضرت سید الشهداء علیه السلام بوده ام، حالا با اسم و از یک یهودی برای
 معالجه بیماریم پول بگیرم؟ و چک سفید را به صاحب آن باز گویید و پس می دهید.
 آن مرحوم عاشق و شیفته پیشوای بزرگ مردان تاریخ، حضرت مولی الموحدین
 امیرالمؤمنین علیه السلام بود و در همه تألیفات و بیانات خود، سعی بلایی در ارائه شناخت
 بهتر و روشنتر شدن مقام، منزلت و فضیلت آن امام مظلوم داشت.

فاضل محترم، آقای کیائی طالقانی از آن مرحوم نقل کردند که فرموده بود:
 اگر تمام کتب شیعه هم از بین برود، بنده می توانم با اتکا به کتب و منابع عامه (سنن
 سنت) خلافت و ولایت حضرت امیر علیه السلام را اثبات نمایم.

تألیفات

مرحوم سلطان الواعظین، گرچه بیشتر عمر خویش را صرف تبلیغ، وعظ و خطابه

کرد، و در این جهت هم به حق موفق بود، اما باز از تألیف و تدوین کتب سودمند و نافع برای جامعه اسلامی غافل نماند. این آثار مکتوب عبارتند از:

۱ - شبهای پیشاور:

این کتاب که مهمترین تألیف سلطان الواعظین است، در نوع خود از بهترین آثار در موضوع مربوطه به شمار می آید. سید در این کتاب که مشروح مذاکره و مناظره او در طول سه شب با بعضی از علمای اهل سنت در پیشاور است، اهم موضوعات مورد اختلاف را مطرح نموده و با استدلال قوی و با استفاده کامل از منابع روایی و تاریخی اهل سنت، مبانی و اعتقادات شیعه را به اثبات رسانده است.

۲ - فرقه ناصیه:

این کتاب (کتاب حاضر) که در دو مجلد می باشد، و تاکنون چندین بار به چاپ رسیده، موضوعات آن نیز مانند سایر کتابهای پیشاور، بیشتر حول محور اثبات حقانیت شیعه است. مؤلف محترم در این کتاب دوم به پاسخ نوشته های شهرستانی^۱ در ملل و نحل ورد ادعاهای او در مورد شیعه پرداخته و سپس تفاوت های گوناگون شیعه و سنی را به اختصار تشریح کرده و عقاید آنها را مطرح می سازد. او در بخش پایانی جلد دوم عقاید شیعیان را، با اتکا به مبانی قرآن و احادیث اثبات می کند.

۳ - صد مقاله سلطانی:

چنان که مؤلف محترم خود در مقدمه گفته است: این کتاب مجموعه صد مقاله ای است که آنها را پیرامون تورات، انجیل و قرآن کریم، برای درج و چاپ در نشریه دینی پرچم اسلام نگاشته و مقالات مزبور از این نشریه جمع آوری شده و پس از تدوین و به وسیله خود مؤلف به چاپ رسیده است. سلطان الواعظین حدود پنجاه مقاله این را در بررسی تحریف های صورت گرفته در تورات و انجیل اختصاص داده است. و حدود پنجاه مقاله دیگر را نیز در اثبات مراتب اعجاز و حقانیت قرآن کریم نگاشته است. به هر حال این کتاب، در نوع خود اثر ارزشمندی به شمار می رود.

۱. محمد بن عبدالکریم شهرستانی (متوفی ۵۴۸ ق)

متأسفانه از آثار مرحوم سلطان الواعظین شیرازی تنها سه اثر فوق به چاپ رسیده است؛ ولی ایشان تألیفات دیگری نیز دارند که هنوز به زیور طبع آراسته نشده است که این آثار به شرح عبارتند از:

- ۱ - عقاید سلطانی: در یک جلد.
- ۲ - سرادقات سلطانی: در صفات و علائم مؤمنین، در ۴ جلد.
- ۳ - فضائل الصوفی: در حالات و مناشی پیدایش اهل تصوف.
- ۴ - مجموعه سلطانی: به صورت کشکول در ۱۲ جلد.
- ۵ - توحید سلطانی: در معرفت الهی و صفات ثبوتیه و سلبیه، در ۲ جلد.
- ۶ - معراجیه: در بیان دلایلی نقلیه و نقلیه بر اثبات معراج جسمانی.
- ۷ - راهنمای اهل توحید: در صفات و شرایط نبوت و راهنمایان توحید، در دو جلد.
- ۸ - المآل البینه: در اثبات وجود امام عصر (عج).
- ۹ - راه سعادت: در تشریح ساختار معنوی انسان (اخلاق و صفات حمیده) در ۲ جلد.

- ۱۰ - حکمت الهی: حدیث، در دو جلد.
- ۱۱ - اثبات الحجّه: در شرایط و صفات امامت و حالات ائمه اطهار (ع)، در ۲ جلد. مقالاتی نیز از آن عالم ربانی در مجلاتی مانند: معارف - معارف - پرچم اسلام و غیره به چاپ رسیده است.

قلم شیوا و روان ایشان، مطالب علمی را برای توده مردم قابل درک و فهم می‌کند. شایسته است اهل فضل و تمکن، بعضی از تألیفات سودمند ایشان را که هنوز به چاپ نرسیده است، به زیور طبع بیاریند.

درگذشت

آن مدافع حریم ولایت، پس از سال‌ها تلاش خستگی ناپذیر، واپسین سال‌های عمر خویش را با بیماری قلبی گذراند، به طوری که تقریباً در ده سال آخر زندگی کاملاً خانه نشین شدند. روح پاکش سرانجام در روز جمعه ۱۷ شعبان المعظم ۱۳۹۱ قمری برابر با ۱۶ مهرماه ۱۳۵۰ شمسی در تهران از کالبد خویش مفارقت و به ملاء اعلی پیوست.

پیکر مطهرش پس از انتقال به قم، با تشییع باشکوهی در جوار بارگاه نورانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قبرستان ابوحسین به خاک سپرده شد. مرحوم رازی نوشته‌اند: بعد از فوت سلطان الواعظین، آیت الله حائری تهرانی، مرحوم حاج سید جواد سدهی را که از منبری‌های برجسته تهران بود در خواب می‌بینند که در باغ بسیار بزرگی با وضع خوشی مقیم است. می‌پرسد: آقای سدهی چطوری؟ ایشان می‌گوید: بسیار خوبم. از منی که آقای سلطان الواعظین به اینجا آمده است، به هر کدام ما درجه داده‌اند. این مقاله تلاشی است که در مقاله راجع به مرحوم سلطان الواعظین در سایت حوزه نت می‌باشد. علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاعات بیشتر به این سایت مراجعه فرمایند.

WWW.Ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لبس العزو والكبرياء، واختارهما لنفسه دون خلقه، وجعلهما حمى وحرماً على غيره، واصطفاهما لجلاله، وجعل اللعنة على من نازعه فيهما من عباده، وجعلنا من أمة خاتم النبيين وأشرف الأنبياء والمرسلين محمد المصطفى والتمسكين بولايته وشريعته صلى الله عليه وعلى أهل بيته أمناء الرحمن ومصايح الدجى، والعروة الوثقى، شجرة النبوة، ومحط الرسالة، ومخزن الملائكة ومعادن العلم، ونبايح الحكم، عيش العلم وموت الجهل يخبركم حلمهم عن حلمهم وظاهرهم عن باطنهم وصمتهم عن حكم منطقتهم لا يخالفون الحق ولا يختلفون فيه هم دعائم الإسلام وولادته عتصام بهم عاد الحق فى نصابه وانزاح الباطل عن مقامه وانقطع لسانه عن منبته علماء الدين عقاب رعاية و رعاية لا عقل سماع ورواية فإن رواة العلم كثير ورعائه قليل هم سفن النجاة وأعداء فراد الذين أذهب الله عنهم الرجس (أهل البيت) و طهرهم تطهيراً ناصرهم و محبهم ينتظر الرحمة و سؤوم و بعضهم ينتظر السطوة.

سراغاز

آنچه به طریق وضوح ثابت و محقق آمده، در بیان تمام موجودات، خلقی بهتر، بالاترو جامع تر از انسان آفریده نشده است؛ چرا که فایده آن دارد مجمع جمیع صفات حمیده و اخلاق پسندیده باشد؛ یعنی قوه قویه بر موجودات نورانی و مادی، برتر و ممتاز در خلقت و متصرف در عوالم علوی و سفلی گردد.

از این دو قوه ممتاز، یکی از تحت اراده و قدرت بشری خارج است، و فقط اختصاص به فیض حضرت فیاض دارد و دیگری به جد و جهد و اراده بشری بستگی کامل دارد که به توفیق الهی آن را درک نماید.

امتیاز بشر به عقل و دانش

یکی از دو قوه‌ای که امتیاز عالم بشریت از انواع موجودات و حیوانات است و از آن جهت قدرت بشر خارج است و فقط به عنایت و لطف پروردگار با عظمت، جل و علا، در مغز و دماغ جمیع افراد بشر به ودیعه گذارده شده است، از آن به عقل و خرد تعبیر نموده‌اند که حجت حضرت احدیت در باطن انسان می‌باشد.

چنانکه شیخ اجل، ثقة الاسلام، محمد بن یعقوب کلینی، قدس سره القدوسی، در اصول